

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان

۰۶ جولای ۲۰۲۲

زلزله خوست - پکتیکا و پس لرزه های سیاسی آن:

مردم افغانستان با زلزله خو گرفته اند. نه تنها به این علت که هر ساله صدها زلزله در ابعاد مختلف زمین افغانستان را می لرزاند بلکه هم چنین در همین دوران زلزله های سیاسی متعددی نیز زندگی و جان مردم افغانستان را تحت شعاع خود قرار داده است. بخشی از مردم افغانستان با هر زلزله و تحول سیاسی کشته، مجروح و یا آواره می شوند، یکی و یا چندین تن از عزیزانشان را از دست می دهند. زلزله اخیر در اول ماه سرطان، نه تنها به مردمی که در اوج فقر و تنگدستی در تلاش برای زندگی فقیرانه خود بودند صدمات جدی وارد کرد بلکه پس لرزه های آن که نتایج سیاسی آن بود، مهر تأییدی بر ماهیت و واقعیت سیاست های حکومت طالبان و متحدین منطقه ئی و بین المللی آن ها بود.

این مطلب که زلزله ای به قدرت ۶.۱ در مقیاس ریشتر باعث کشته شدن بیش از ۱۵۰۰ نفر و مجروح شدن ۲۰۰۰ نفر و ویران شدن ۲۰۰۰ خانه و آسیب دیدن نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر شد توسط بسیاری از رسانه ها و یا نهادها اعلام گشته است. اما چه کمکی به نجات آنانی شد که زیرخوابی های خانه های گلی و ناپایدار خود مانده و یا در اثر این زلزله زخمی شدند؟ چه کمکی به بازماندگانی شد که در شرایط روحی نامناسب و یا با غم از دست دادن عزیزانشان، بدون سرپناه بر روی ویرانه های بدون سقف، بدون آب و نان، شب را روز و روز را شب می کنند؟

موضوع این است که بیش از ۷۰ درصد خانه ها در ولسوالی ها با بیشترین صدمات، ویران شده اند. تعداد نامعلومی برای همیشه در زیر آوارها دفن شدند. تعداد محدود کارکنان امداد با امکانات محدود به هیچ روی قادر نشدند و نبودند که بتوانند به یاری حتی برخی از خانواده های آسیب دیده برسند. علاوه بر آن احتمالاً صدها قریه به کلی ویران شده که هیچ گاه پای این کارکنان به آنجا نرسید. همچنین قریه هائی با خاک یک سان شده که ممکن است به خاطر صعب العبور بودن هیچ گاه از آنچه بر سر این روستائیان آمد، کسی باخبر نشود. حتی در ولسوالی هائی که امکان عبور و مرور به آنها موجود بود، از قصه های غم انگیزی که بر سر مردم آمده حکایت می کند. حکایت زنی در شفاخانه پکتیکا که ۱۹ عضو خانواده اش در پی زلزله کشته شده اند، حکایت مردی که ۱۷ عضو خانواده اش را از دست داده، فرد دیگری که ۹ تن از اعضای خانواده اش کشته شده اند، مرد جوانی که با ریختن سقف خانه سرش ضربه دیده به شفاخانه منتقل می شود اما از ۸ عضو دیگر خانواده هیچ گونه خبری ندارد. یکی از کارکنان امداد گفته که مواردی را دیده که تمام اعضای یک خانواده کشته شده اند و یا یک نفر باقی مانده است. او نیز گفته که خودش از دو قریه دیدن کرده که این دو قریه به کلی نابود شده اند و باشندگان آن به زیر آوار شده اند.

واقعیت این است که عمق فاجعه بسیار فراتر از آنچه‌ی است که در رسانه‌ها انعکاس یافته است. هنوز شمار زیادی در زیر آوار مانده‌اند و هیچ‌گاه کسی حال و احوالی از آنجا نخواهد گرفت، خانواده‌هایی خواهند بود که در زیر آوار برای همیشه دفن خواهند شد. تعداد بسیاری در نقاط دورافتاده ناپدید شدند که هیچ‌گاه برای هیچ دولتی پدیدار نبودند. آنانی که تلاش کردند با دست خالی آوارها را کنار بزنند بسختی توانستند عزیزانشان را از زیر آوار بیرون بکشند و اگر هم موفق شدند امکانی برای مداوای آنان نداشتند. بنابراین آمار کشته‌شدگان و یا زخمی‌ها بسیار بسیار بیشتر از آنچه است که توسط طالبان و یا نهادهای امداد تأیید شده است. تعداد ناپدیدشدگان که اصلاً مورد بررسی قرار نگرفت. علاوه بر آن این زلزله عواقب بسیاری نیز در بر دارد. آنانی که از زلزله جان سالم به در بردند، خطر مرگ از این گرسنگی، محرومیت از آب پاک، بیماری‌های ناشی از آب آلوده و بی‌سرنه‌های و آوارگی و بیماری‌های ناشی از این شرایط جان‌صدها هزار نفر را تهدید می‌کند این در شرایطی است که اعراض دیگر ناشی از آن را نادیده بگیریم.

طالبان که به هر جنگ و جنایتی دست زد و به هر عجز و تملق و سرسپردگی به درگاه امپریالیست‌های امریکائی و مرتجعان منطقه‌ئی مانند پاکستان و عربستان و قطر و... توسل جست تا به قدرت رسیدنشان تضمین شود، وقتی که به مردم می‌رسد تنها سرکوب و لت و کوب را در چننه خود دارد و بس. طالبان در برابر این حادثه طبیعی در ابتداء در مقابل رسانه‌ها به ژست دادن پرداخت. یک ساعت پس از زلزله یک جلسه اضطراری برگزار کرد و یک میلیارد افغانی (معادل ۱۱۰ هزار دلار) برای رسیدگی به زلزله زدگان اختصاص داد. که به ارسال چند هلی کوپتر و نیروهای امداد خلاصه شد. البته طالب عاجز تر و ناتوان تر از آن بود که بتواند. همین پزهای مختصر خود را لاپوشانی کند و خیلی سریع بی تفاوتی خود نسبت به زلزله و مردم را نشان داد. چیزی نگذشت که یک میلیارد افغانی به صد میلیون یعنی یک دهم آن تقلیل پیدا کرد!!!

بعد هم "عملیات نجات" دو روز هم طول نکشید، ثناءالله معصوم والی طالبان در پکتیکا از پایان "عملیات نجات" در چهارشنبه شب خبر دارد. ادعا کرد که "عملیات نجات به همه مناطق آسیب دیده توانستند برسند" اما این دروغ بی‌شرمانه موقعی آشکارتر می‌شود که دلیل این امر را در این می‌داند که "برای ما گزارش تازه نرسیده که درجائی عملیات نجات نرسیده باشد." !!! آیا نرسیدن گزارش به این معنی است که عملیات نجات به آن مناطق رسیده است؟؟ مسلماً تنها دروغ‌گویان و فریبکاران طالبان می‌توانند خود را باور کنند و نه مردمی که در زیر آوار بودند و یا عزیزانشان در زیر آوار ماندند و یا در اثر آن زخمی شده بودند و کسی به یاری آنان نرسید.

روز دوم نه تنها پایان "عملیات نجات" جعلی طالبان بود بلکه دیگر موضوع زلزله برای طالبان تمام شده بود. به گفته رسانه‌ها دیگر مقامات طالبان هیچ جلسه خبری برگزار نکردند و آمار قربانیان و زخمی‌ها هم علی‌رغم انتظار، در همان سطح باقی ماند و از نظر طالبان افزایش نیافت. دیگر دوسیه زلزله بسته شده بود. بگذار مردم زیر آوار بمیرند، بگذار زخمی‌ها هیچ‌گاه درمان نشوند، بگذار مردم بی‌سرنه در گرما و سرما تلف شوند. طالب را باکی نیست!

طالب که برای کمک به مردم نیامده است. مسؤولیت طالب این است که زنان را سنگسار کند. زنان را زندانی و در زندان مورد تجاوز قرار دهد. زنان سرکش را برپاید و مخفیانه تیرباران کند. مسؤولیت طالب وضع قوانین ضد زن است. بیرون کردن زنان از کار و اشتغال است، کار طالب این است که مطمئن شوند زنان از کسب علم و دانش محروم می‌شوند، مسؤولیتش این است که حتی یک زن بدون حجاب نباشد، مردی یک وجب از دست و پای آنها را نبیند.عکس زنان در جائی نباشد. خلاصه وظیفه طالب حذف زنان از جامعه است تا وظیفه اسلامی خود را به انجام رساند. وظیفه دیگر آن تلاش برای بی‌ثبات کردن منطقه است، یعنی وظیفه خدمت به منافع ستراتیژیک امریکا و

پاکستان در منطقه . و شاید هم شرکت غیر مستقیم در جنگی که امپریالیسم امریکا و ناتو در اوکراین به پیش می برد. باید قرضداری اش به پاکستان و امریکا برای به قدرت رساندنش را بپردازد.

به همین دلیل است که باید دوسیه زلزله را می بست، توگویی که زلزله ای در کار نبود و قربانی ها، زخمی ها، گرسنه ها، تشنه ها و بی سرپناه ها وجود نداشتند. طالب باید سخت مشغول تدارک تشکیل لویه جرگه ارتجاعی خود می شد، تا به قدرتش که در معرض زد و خوردها و اختلافات درونی قرار داشت و بسختی از عدم مشروعیت در بین مردم رنج می برد سرو سامانی بدهد و به همین دلیل با عجله دوسیه را بست و رفت.

اما دولت های بزرگ غربی، امریکا و اروپا این " قهرمانان دفاع از حقوق بشر " و کسانی که میلیاردها دالر هزینه کردند و صدها هزار نیروی جنگی و پیشرفته ترین سلاح های کشنده را به افغانستان روان کردند، تا "رهائی زنان" و "دمکراسی" را برای افغانستان به ارمغان بیاورند، آنانی که که این گونه به خاطر مردم افغانستان اشک تمساح می ریختند بعد از زلزله کجا بودند؟ البته آنها سخت سرگرم کمک برای "رهائی" و "دمکراسی" در کشور دیگری هستند. از همان نوع "دمکراسی و رهائی" که برای افغانستان در نظر داشتند. آنها سخت در حال جمع آوری امکانات برای دارودسته و وابسته به خودشان تحت رهبری زلنسکی هستند. هر روز میلیاردها دالر به صورت کمک مالی و تجهیزات نظامی مهلک و کشنده را در واشنگتن، لندن، و برلین و بروکسل و یا در کنفرانس های ناتو و جی ۷ و غیره به نام اوکراین تصویب و یا تضمین می کنند. تا مطمئن شوند سال ها جنگ و کشتار و خونریزی ادامه می یابد و در حرف "دمکراسی" و "رهائی" برای اوکراین اما در واقع منافع امپریالیستی شان را اینگونه دنبال کنند. باور ندارید به تحولی که در افغانستان در دو دهه گذشته انجام شده است بنگرید، اگر افغانستان کافی نیست به سوریه و عراق و لیبیا و... بنگرید.

البته دولت های غربی این "قهرمانان" دمکراسی و حقوق بشر هیچ گاه از بهانه آوردن و توجیه عملکردهایشان کم نمی آورند. بر مبنای ادعایشان به خاطر رعایت حقوق مردم افغانستان در مقابل طالبان مردم را در فقر و گرسنگی نگاه می دارند، و با بی تفاوتی و یا کمک های محدود کم تأثیر به زلزله زدگان می نگرند، چون به گفته آنان "ممکن است مورد سوء استفاده طالبان" قرار گیرد.

واقعیت این است که امپریالیسم امریکا و متحدینش به خاطر ایجاد هرج و مرج در منطقه باید فقر و گرسنگی و بی ثباتی در افغانستان را تداوم بخشند، و چه چیزی بهتر از زلزله. زلزله اگر چه برای مردم افغانستان یک بلای طبیعی بود، برای امپریالیست های غربی یک موهبت الهی بود که می توانست به ستراتیژی آنها در افغانستان و منطقه یعنی بی ثباتی، فقر و گرسنگی، کمک کند.

در حالی که مردم افغانستان از نظر فقر و گرسنگی، و شرایط سیاسی اجتماعی در یکی از سخت ترین دوران خود به سر می برند بدون تردید زلزله ای با چنین قدرت ویرانگری بر بناهای لرزان و بی بنیه فقیرترین باشندگان این مرز و بوم ضایعه ای بس دلخراش است. خلاف بی عملی دولت طالبان و امپریالیست ها، مردم و جوانان بودند که علی رغم میل طالبان خود را به محل رسانده و در حد امکان به مردم یاری رساندند. همچنین پیام های حمایت و همدردی از طرف مردم در سراسر جهان و به خصوص در منطقه از طرف نهاد ها و سازمان های مردمی مایه دلگرمی و امید برای مردم و خصوصا امدادگران داوطلب بود

امکان زلزله در افغانستان به خصوص در شرق آن بسیار بالا است چرا که گسل های سه ورقه فعال زمین از این منطقه عبور می کنند. به عبارت دیگر گسل های ورقه فعال (هند، اوراسیا و زاگرس ایران) افغانستان را از سه جانب احاطه کرده اند. تنها در سال گذشته افغانستان ۲۰۰ زلزله کوچک و بزرگ داشته است. در چنین شرایطی زلزله و

چگونگی مقابله اساسی با آن باید یکی از مسایل و معضلات دولت ها باشد که مسلماً تا به حال هیچ یک از دولت های تا کنونی کوچکترین عملی در این مورد انجام نداده اند. واقعیت این است که چنین اتفاقی نخواهد افتاد مگر این که یک دولت انقلابی و مردمی در افغانستان به قدرت برسد. دولت انقلابی که در خدمت منافع مردم عمل کند و نه در خدمت منافع امپریالیست ها و مرتجعین منطقه ئی، منافع و احتیاجات زندگی توده های مردم در صدر اجندای آن باشد و نه تحمیل و حفظ ایدئولوژی های پوسیده مربوط به قرن های گذشته. یک حکومت پرولتری که تحت رهبری حزب کمونیست واقعی برقرار شود می تواند در خدمت به منافع مردم قرار گیرد و مبارزه صحیح با حوادث طبیعی را به پیش برد. حکومت پرولتری حکومت واقعی مردم بر مردم است. منافع توده های مردم به خصوص توده های زحمتکش در صدر اجندای یک دولت پرولتری قرار خواهد داشت. ما متعهد هستیم که در خدمت و در راه برقراری یک دولت پرولتری با تمام توان بکوشیم.

۱۳ سرطان ۱۴۰۱ - ۴ جولای ۲۰۲۲